

بررسی تطبیقی وصیت‌نامه‌های اصلاحی اندیشمندان ایران و عثمانی: مستشارالدوله و فواد پاشا*

غلامعلی پاشازاده^۱

چکیده

در قرن نوزدهم دولتمردان و اندیشمندان ایرانی و عثمانی برای پیشرفت و ترقی، راهکارهایی به حکومت‌های کشور خویش ارائه دادند و خود نیز برای اجرای اصلاحات در جامعه تلاش کردند. هر چند راهکارهای آنها در برخی از جنبه‌ها عملی شد، ولی برنامه اصلاحات آن‌گونه که انتظار داشتند پیش نرفت. به همین خاطر، فواد پاشا و عالی پاشا، از اصلاح‌گران عثمانی در اواخر عمر، اصلاحات پیشنهادی خود را به صورت وصیت‌نامه سیاسی به سلطان عثمانی ارائه دادند. وصیت‌نامه‌های آن دو، از همین زمان با تاریخ ایران نیز ارتباط پیدا کرد؛ از یک طرف نقش ملکم در نگارش آن وصایا مطرح شد و از طرف دیگر میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، بعدها وصیت‌نامه‌ای نوشت که مشابه وصیت‌نامه فواد پاشا بود. بررسی تطبیقی متن وصایا، احتمال دخالت ملکم، و تأثیرپذیری مستشارالدوله از فواد پاشا مسأله‌ای است که در تحقیق حاضر با روش تحلیلی منکی بر پژوهش تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است. وازگان کلیدی: وصیت‌نامه‌های سیاسی، فواد پاشا، عالی پاشا، میرزا ملکم‌خان، مستشارالدوله، اصلاحات.

A Comparative Study of Reform Testaments of Iranian and Ottoman Intellectuals: Fuad Pasha and Mostashar Al-Dowleh

Gholamali Pashazadeh²

Abstract

In the 19th century, Iranian and Ottoman statesmen and intellectuals presented their governments with certain proposals for progress. They also made efforts to implement reforms in society. Although certain aspects of their proposals were implemented, the plan for reform did not proceed the way they had expected. For this reason, Fuad Pasha and Ali Pasha, two Ottoman reformers, presented their proposed reforms to the Ottoman Sultan in the form of political testaments towards the end of their lives – testaments which also became entangled with the history of Iran at the same time. On the one hand, it was proposed that Malkam had played a role in writing those testaments, and on the other hand, Mirza Yusuf Khan Mostashar Al-Dowleh later wrote a testament which was similar to that of Fuad Pasha. A comparative analysis of the text of the testaments, the possibility of Mirza Malkam's involvement, and Fuad Pasha's influence on Mostashar Al-Dowleh are the issues explored in the present article using an analytical methodology based on historical research.

Keywords: Political testaments, Fuad Pasha, Ali Pasha, Mirza Malkam Khan, Mostashar Al-Dowleh, Reforms

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز *تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۱۴

2. Assistant Professor, Department of History, Tabriz University; E-mail: gh_pashazadeh@yahoo.com

مقدمه

در قرن نوزدهم در ایران و عثمانی تلاش‌های اصلاح‌گرانه اوج گرفت. در عثمانی با صدور فرمان تنظیمات در سال ۱۸۳۹ میلادی اصلاحات وارد دوران سرنوشت‌سازی شد و رجال تنظیمات مانند مصطفی رشید پاشا، عالی پاشا و فؤاد پاشا اصلاحاتی را با تأثیرپذیری از تمدن غرب به سرانجام رساندند. در همین زمان در ایران، انجام اصلاحات توسط برخی از سیاستمداران و اندیشمندان پیگیری می‌شد. آغازکننده این اصلاحات عباس میرزا بود و این جریان بعد از آن با فراز و نشیب‌هایی به حیات خود ادامه داد.

در عثمانی، دو تن از دولتمردان تنظیمات، یعنی عالی و فؤاد، پس از تلاش‌های زیاد برای انجام اصلاحات، در اواخر عمر خود در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد قرن نوزدهم میلادی، طی وصیت‌نامه‌هایی سیاسی راهکارهای مورد نظر خود را برای انجام اصلاحات در جامعه عثمانی به سلطان عثمانی پیشنهاد دادند. بعد از چاپ وصیت‌نامه فؤاد پاشا، در سال ۱۸۹۶ میلادی در روزنامه‌ها و جراید، ملکم ادعا کرد این وصیت‌نامه توسط او برای فؤاد نوشته شده است. همین مسأله موجب بحث‌های زیادی در مورد نقش ملکم در نگارش وصیت‌نامه‌های فؤاد و عالی شد. حدود شش سال قبل از ادعای ملکم در مورد وصیت‌نامه فؤاد پاشا، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله در سال ۱۳۰۶ قمری (۱۸۸۹م) نامه‌ای خطاب به مظفرالدین میرزا نوشت که در واقع وصیت‌نامه سیاسی او بود. لحن این وصیت‌نامه و محتوای آن مشابهت‌هایی با وصیت‌نامه سیاسی فؤاد پاشا دارد که قابل بحث و تأمل‌اند. بنابراین مقاله حاضر قصد دارد ضمن بحث از نقش ملکم در تنظیم وصیت‌نامه‌های سیاسی فؤاد پاشا و عالی پاشا، با مقایسه تطبیقی وصایا ارتباط وصیت‌نامه مستشارالدوله با فؤاد پاشا را مشخص کند.

روش به‌کاررفته در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و داده‌ها از متن وصایا و منابع تاریخی آن دوره استخراج و در راستای مسأله پژوهش تجزیه و تحلیل شده‌اند. وصیت‌نامه‌های سیاسی فؤاد پاشا و عالی پاشا و نقش ملکم در تنظیم آن در تحقیقات گوناگون به زبان‌های ترکی، فارسی و انگلیسی مورد بحث قرار گرفته است.^۳

۳. اگرچه بحث‌هایی در این باره در آثار پژوهشی زیر آمده است، اما مسأله مشابهت وصیت‌نامه مستشارالدوله با وصیت‌نامه فؤاد پاشا برای نخستین بار مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله می‌توان به بحث‌های مطرح شده در پژوهش‌های زیر اشاره کرد: فریدون آدمیت، *اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱)*؛ حامد الگار، *میرزا ملکم‌خان، ترجمه جهانگیر عظیمیا و مجید تفرشی (تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری انتشارات مدرس، ۱۳۶۹)*؛ محمد غالب، «تاریخدن بر صحیفه»، *تاریخ عثمانی*

انجمنی مجموعه سی، جزء ۲ (۱۳۲۶)؛ رئیس‌نیا، رحیم، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*. ج ۱ (تهران: مینا، ۱۳۸۲)؛ Roderic H. Davison, «The Question of Ali Pasa's Political Testament», *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 11, No. 2. (Apr 1980).

وصیت‌نامه فؤاد پاشا

فؤاد پاشا صدراعظم عثمانی در دوره تنظیمات بود. نام کامل او کیچه جی زاده محمد فؤاد است. در صفر سال ۱۲۳۰ قمری (۱۸۱۵م) در استانبول به دنیا آمد. پدرش کیچه جی زاده عزت ملا (۱۸۷۵-۱۸۲۹م) از علما و شعرای مشهور عثمانی و مادرش حبه‌الله خانم دختر اسماعیل مکی از نوادگان قارا مصطفی پاشا بود.^۴ فؤاد به رسم معمول کودکان علمای آن زمان، زبان فارسی و عربی را فرا گرفت و سپس وارد مکتب طبیه شد. بعد از پایان تحصیلات به تشویق مصطفی رشید پاشا وارد خدمات دولتی شد. سلطان عثمانی او را در سال ۱۲۶۶ قمری (۱۸۴۹م) برای حل مشکلات پیش‌آمده در بالکان به روسیه فرستاد و در بازگشت او را به سمت مستشاری صدارت گماشت.^۵

فؤاد با مأموریت روسیه مشهور شد^۶ و در ۲۰ شوال ۱۲۶۸ قمری به مقام وزارت امور خارجه منصوب شد. در ۱۶ شعبان ۱۲۷۱ برای بار دوم، در جمادی الاول ۱۲۷۴ برای بار سوم^۷ و در ۲۹ محرم همان سال برای بار چهارم به وزارت امور خارجه برگزیده شد تا این که در نوزدهم جمادی الاول ۱۲۷۸ به مقام صدارت رسید.^۸ در ۱۵ ذیحجه همان سال برای بار دوم مقام صدارت را به‌دست آورد.^۹

صدارت دوم فؤاد پاشا بیش از سه سال طول کشید تا این که سلطان عبدالعزیز او را به خاطر مخالفتش با ازدواج سلطان با دختر اسماعیل پاشا خدیو مصر عزل کرد.^{۱۰} وی هشت ماه کناره‌گیری‌اش از خدمات دولتی را در قصرش در قانلیجا به‌سر برد، تا این که با صدارت عالی پاشا در سال ۱۲۸۳ قمری، برای بار پنجم به مقام وزارت امور خارجه رسید.^{۱۱} فؤاد در ۳۰ شوال ۱۲۸۵ (۱۲ فوریه ۱۸۶۹) در شهر نیس فرانسه درگذشت. بعد از مرگش وصیت‌نامه‌ای از او منتشر شد که

۴. احمد رفعت، ورد الحدائق (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۸۳؛ ابوالضیا توفیق، نمونه ادبیات عثمانیه (قسطنطنیه: مطبعه ابوالضیا، ۱۳۳۰ق)، ص ۱۸۳؛ شهاب‌الدین سلیمان، تاریخ ادبیات عثمانیه (استانبول: سنجاقچیان مطبعه سی، ۱۳۲۸ق)، ص ۲۹۷؛ Mehmed Süreyya, *Sicill-i osmani* (Istanbul: Numune Matbaacılık, 1996), P.539.

۵. توفیق، ص ۱۸۴؛ سالنامه نظارت خارجی (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۰۲؛ رفعت، ص ۶۸؛ *Islam Ansiklopedisi*, cilt 13 (Istanbul: Türkiye Diyanet vakfı, 2005), Fuad Paşa.

۶. توفیق، ص ۱۸۴؛ سلیمان، ص ۲۹۷.

۷. سالنامه نظارت خارجی، ص ۷۰.

۸. رفعت، ص ۷۰-۶۹.

۹. Süreyya, P.539; *Ansiklopedisi*, Fuad Paşa.

۱۰. استنفورد جی. شاو و ازل کورال شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، ج ۲ (مشهد: آستان

قدس رضوی، ۱۳۷۱)، ص ۱۲۱.

۱۱. سالنامه نظارت خارجی، ص ۷۱؛ رفعت، ص ۷۱-۷۰.

بحث‌های زیادی را برانگیخت. این وصیت‌نامه در ابتدا، چند ماه بعد از مرگ فؤاد پاشا در روزنامه *لوانت هرولد* - که به دو زبان انگلیسی و فرانسه در استانبول منتشر می‌شد - به چاپ رسید. به گفته این روزنامه، فؤاد پاشا وصیت‌نامه را خطاب به سلطان عبدالعزیز نوشته و آن را به یکی از نزدیکان خود سپرده بود تا آن را به سلطان تحویل دهد، اما قبل از رسیدن به دست پادشاه به دست جراید افتاد و منتشر شد.^{۱۲}

علاوه بر این، این وصیت‌نامه در سال ۱۸۹۶ میلادی در روزنامه فرانسوی زبان *Da La Revue De Parisue* و همچنین در روزنامه مشورت نیز منتشر شد.^{۱۳} سپس روزنامه *میزان* آن را با عنوان «وصیت‌نامه سیاسی» اهداء شده از طرف حکمت‌بیگ چاپ کرد.^{۱۴} در همین زمان، میرزا ملکم‌خان در نامه‌ای به احمد رضا سردبیر روزنامه مشورت ادعا کرد که متن وصیت‌نامه توسط او نوشته شده و به وسیله عارفی پاشا به ترکی ترجمه شده است.^{۱۵} این ادعای ملکم با توجه به نزدیکی او به فؤاد پاشا^{۱۶} در طول سال‌های اقامتش در استانبول قابل باور بود، اما با واکنش‌های متفاوت مواجه شد. عزت‌بیگ و مصطفی حکمت‌بیگ از نوادگان فؤاد پاشا ادعای ملکم را رد کردند و صحت متن وصیت‌نامه را مورد تأیید قرار دادند، ولی، رشاد نواده دیگر فؤاد صحت متن وصیت‌نامه را رد کرد.^{۱۷} این تردیدها به میان محققان نیز کشیده شد. برخی محققان مانند داویسون نگارش وصیت‌نامه توسط فؤاد پاشا را ممکن ارزیابی کردند،^{۱۸} اما در مقابل، برخی مانند محمد غالب با استناد به نگارش متن اصلی وصیت‌نامه به زبان انگلیسی و فرانسه و نبودن اصل ترکی آن، احتمال دخالت ملکم در نگارش آن را ممکن دانستند. غالب اعتقاد دارد ملکم به منظور نزدیکی به عالی پاشا بعد از مرگ فؤاد وصیت‌نامه‌ای به نام او جعل کرده است تا با تمجید از عالی از زبان فؤاد توجه او را به خود جلب کند.^{۱۹} حامد الگار با بررسی وصیت‌نامه و ارتباط نزدیک فؤاد با ملکم، مضمون وصیت‌نامه را با عقاید فؤاد و ملکم در تضاد نمی‌بیند.

12. *Ansiklopedisi, Fuad Paşa.*

13. *Ibid.*

۱۴. میزان، برنجی سنه، نومرو ۱، ۹ رجب ۱۳۱۴، ص ۴.

۱۵. الگار، ص ۷۷-۷۶؛ رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، گردآوری و مقدمه حجت‌الله اصیل (تهران: نشر نی، ۱۳۸۸)، ص ۴۳۶ - ۴۳۵.

۱۶. ملکم در طول سال‌های اقامت در استانبول توانست به فؤاد پاشا نزدیک شود ولی تلاش او برای روابط دوستانه با عالی پاشا

از دیگر مردان تنظیمات ناکام ماند. عالی پاشا گویا از ملکم نفرت داشته است. برای اطلاع بیشتر نک: غالب، ص ۷۳.

17. *Ansiklopedisi, Fuad Paşa.*

همچنین نک: رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۴۳۶

18. Davison, p.220.

۱۹. غالب، ص ۷۲.

به اعتقاد او، ملکم به خاطر ارتباط نزدیک با فؤاد پاشا در موقعیتی قرار داشت که بتواند نظریات او را در قالب یک وصیت‌نامه تنظیم کند. همچنین، همزمان با فوت فؤاد پاشا ملکم هم از سفارت ایران به طور موقت رفت و این مسأله برای ملکم آزادی عمل بیشتری فراهم می‌آورد تا با نام فؤاد به ایران حمله کند. الگار با وجود طرح این دلایل، در نهایت در مورد امکان نگارش وصیت‌نامه توسط ملکم می‌نویسد: «هیچ یک از این دلایل نمی‌تواند تنظیم وصیت‌نامه را از جانب ملکم ثابت کند و چیزی بیش از انعکاس نظرات مشترکی که با فؤاد پاشا در آنها سهیم بوده، نمی‌باشد. تنها نتیجه ممکن آن است که شاید ملکم وصیت‌نامه را نوشته باشد.»^{۲۰} حجت‌الله اصیل نیز با مقایسه متن وصیت‌نامه با اندیشه ملکم و ذکر همانندی‌هایی میان آن دو، احتمال نگارش وصیت‌نامه توسط ملکم را پذیرفته است،^{۲۱} با وجود این، در این مورد هنوز نظر قطعی ارائه نشده است.

وصیت‌نامه عالی پاشا

عالی پاشا نیز همانند فؤاد پاشا از مردان مهم تنظیمات بود. او در سال ۱۲۲۹ قمری (۱۸۱۴م) در استانبول به دنیا آمد. بعد از تحصیلات سنتی و آموزش زبان عربی، در سال ۱۸۳۳ میلادی به دایرة ترجمه باب عالی وارد شد و زبان فرانسه را فراگرفت. بعد از مأموریت‌هایی به اتریش و روسیه به مقام ترجمانی دیوان همایون رسید. در سال ۱۸۳۸ میلادی به عنوان مستشار سفارت با مصطفی رشید پاشا به لندن رفت. وی زمانی که سلطان عبدالمجید به سلطنت رسید، دوباره به مقام ترجمانی دیوان همایون گماشته شد. در سال ۱۸۴۱ میلادی به سفارت لندن رسید و سه سال بعد به عضویت مجلس والا درآمد. با صدارت مصطفی رشید پاشا، در سال ۱۸۴۶ میلادی به مقام وزارت امور خارجه منصوب شد و در سال ۱۸۵۲ در سن ۳۸ سالگی به مقام صدارت رسید. عالی پاشا هفت بار در مصدر وزارت امور خارجه و پنج بار در مصدر صدارت قرار گرفت تا این که در سال ۱۲۸۷ قمری (۱۸۷۱ م) درگذشت.^{۲۲}

مدتی بعد از درگذشت عالی پاشا از او نیز وصیت‌نامه‌ای در روزنامه‌های وقت انتشار یافت. این وصیت‌نامه نیز همانند وصیت‌نامه فؤاد پاشا مورد تردید قرار گرفت. به اعتقاد محمد غالب، دخالت ملکم در تدوین این وصیت‌نامه احتمالی است که امکان آن نباید نادیده گرفته شود؛ زیرا ملکم خان

۲۰. الگار، ص ۷۹-۷۸.

۲۱. رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۴۳۶-۴۳۵.

۲۲. شاول، ص ۱۱۹: *Islam Ansiklopedisi*, cilt 2 (Istanbul: Turkiye Diyanet vakfi, 2005), Ali Paşa

به لحاظ اخلاقی برای جعل وصیت‌نامه، فرد مستعدی بود و می‌توان تصور کرد او بعد از آن که نتوانسته است با جعل وصیت‌نامه به نام فؤاد پاشا توجه عالی پاشا را جلب کند بعد از مرگ او خواسته است دشمنی عالی پاشا با خود را تلافی نماید.^{۲۳} در مقابل، حامد الگار با تحقیق در متن وصیت‌نامه، به این نتیجه رسید که تنها مطالب زیان‌آور در متن وصیت‌نامه عالی پاشا، چند جمله‌ای است که در آنها عالی اعتراف می‌کند که در مورد روابط با ممالک تابعه از قبیل صربستان، قره‌داغ، افلاق و تونس غفلت کرده است. الگار همچنین با خاطر نشان کردن همانندی‌هایی میان چند اصل از اصول وصیت‌نامه و اندیشه‌های ملکم، آن همسانی‌ها را برای قبول تدوین وصیت‌نامه توسط ملکم ناکافی می‌داند.^{۲۴} دایسون نیز با تحقیق در متن وصیت‌نامه عالی پاشا در نهایت احتمال دخالت ملکم در تدوین وصیت‌نامه را رد نمی‌کند، ولی پیدا کردن دلیل برای این کار ملکم را دشوار می‌داند.^{۲۵}

در واقع، ادعای نقش ملکم درباره وصیت‌نامه فواد پاشا، موجب شده است چنین نقشی برای او درباره وصیت‌نامه عالی پاشا هم مطرح شود، ولی، این نقش قابل اثبات نیست. همانندی‌های میان عقاید ملکم و متن وصیت‌نامه نیز به تنهایی برای اثبات این مدعا کافی نیست، چرا که، این همانندی‌ها بیشتر از شرایط مشابه ایران و عثمانی در مواجهه با غرب نشأت می‌گرفت، چنانچه، بعدها مستشارالدوله، به خاطر همین شرایط مشابه دو جامعه، وصیت‌نامه فوادپاشا را با مقداری تغییر الگو برای تدوین وصیت‌نامه خود قرار داد.

وصیت‌نامه مستشارالدوله

سال‌ها بعد از نگارش وصیت‌نامه‌های فؤاد پاشا و عالی پاشا، در سال ۱۳۰۶ قمری مستشارالدوله هم مکتوبی خطاب به مظفرالدین میرزا ولیعهد تنظیم کرد که در واقع وصیت‌نامه سیاسی او بود. وصیت‌نامه مستشارالدوله هم از نظر ادبی و هم از نظر محتوایی شباهت‌ها و همسانی‌های زیادی با وصیت‌نامه فؤاد پاشا دارد و همین همسانی‌ها نشان می‌دهد که مستشارالدوله در نگارش وصیت‌نامه از متن وصیت‌نامه فؤاد پاشا بهره گرفته است. حال سوال اینجاست که مستشارالدوله از چه طریق به وصیت‌نامه فؤاد پاشا دسترسی پیدا کرده است؟ همانطور که می‌دانیم مستشارالدوله از سال ۱۲۸۳ قمری به مدت سه سال در پاریس بود^{۲۶} و از نزدیک با اندیشمندان و سیاستمداران عثمانی ارتباط

۲۳. غالب، ص ۷۰، ۷۴، ۷۸.

۲۴. الگار، ص ۸۰.

25. Davison, p.220.

۲۶. میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، یک کلمه، به کوشش صادق سجادی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴)، ص ۸.

داشت. بنابراین، در مدت حضور در فرانسه که همزمان با مرگ فؤاد پاشا و چاپ وصیت‌نامه او در روزنامه‌ها بود و یا از طریق اندیشمندان و رجال سیاسی عثمانی می‌توانست به متن وصیت‌نامه فؤاد پاشا دسترسی پیدا کند. اما بررسی متن وصیت‌نامه مستشارالدوله نشان می‌دهد که او از طریق میرزا ملکم‌خان به وصیت‌نامه فؤاد پاشا دسترسی یافته است.

میرزا ملکم‌خان، بعد از ادعای تدوین وصیت‌نامه فؤاد پاشا، آن وصیت‌نامه را به فارسی هم ترجمه کرد. از میان گردآورندگان آثار ملکم، محیط طباطبایی به آن اشاره کرده،^{۲۷} ولی آن را در مجموعه آثار ملکم نیورده است. فریدون آدمیت متن فارسی آن را از روی نسخه خطی «ترجمه وصیت‌نامه فؤاد پاشا»^{۲۸} مورد استفاده قرار داد و در نهایت، حجت‌الله اصیل دیگر فرد گردآورنده آثار ملکم، ترجمه فارسی وصیت‌نامه را در مجموعه آثار ملکم و در قسمت ضمایم، منتشر کرد. این ترجمه با متن ترکی تفاوت‌های آشکاری دارد و آن تفاوت‌ها به همان شکل اصلی وارد وصیت‌نامه مستشارالدوله شده است. مثلاً در آخر متن ترکی وصیت‌نامه، فؤاد پاشا از تلاش‌های خود در راه انجام اصلاحات همانند «شهداء فی سبیل الله» یاد نکرده است، در حالی که عبارت مزبور در ترجمه ملکم و وصیت‌نامه مستشارالدوله به یکسان تکرار شده است.^{۲۹} البته مواردی از این قبیل زیاد است که در بحث از مشابهت‌ها در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

در مقایسه متن ترکی وصیت‌نامه، ترجمه ملکم و وصیت‌نامه مستشارالدوله مشابهت‌ها و همسانی‌های آنها مشخص می‌شوند. هر دو وصیت‌نامه با جملاتی مشابه آغاز می‌شود؛ هم مستشارالدوله و هم فؤاد پاشا خاطر نشان می‌کنند که از عمرشان چند روز بیشتر باقی نمانده است. آنها هر دو در اول وصیت‌نامه اعلام می‌کنند که وصیت‌نامه بعد از مرگ‌شان به دست سلطان عثمانی و مظفرالدین میرزا خواهد رسید و این مسأله افراد مورد خطاب آنها را مجاب می‌کند تا به مطالب آنها با اعتماد گوش فرا دهند؛ چراکه، صدایی که از قبر بیرون آید از روی صداقت و حقیقت و راستی خواهد بود. آنها در خطاب به سلطان عثمانی و مظفرالدین میرزا به آن دو گوشزد کرده‌اند که خداوند عالم آنها را به مقام مهم و عالی، ولی بسیار مهم و خطرناک انتخاب کرده است و لازم است آنان برای انجام وظیفه در مقابل حضرت حق در مورد مسئولیت خطیرشان تفکر و تأمل کنند.^{۳۰}

۲۷. محمد محیط طباطبایی، مقدمه مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان (تهران: نشر دانش، ۱۳۲۷)، ص ۵۰.

۲۸. آدمیت، ص ۹۲-۸۹.

۲۹. رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۵۰۷؛ میرزا محمد ناظم‌الاسلام ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به

کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول (تهران: آگاه، ۱۳۶۲)، ص ۱۷۷.

۳۰. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۲؛ رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۴۹۹؛ غالب، ص ۷۵.

فؤاد پاشا و مستشارالدوله در ادامه وصیت‌نامه خود به مقامات مورد نظر خود در ایران و عثمانی گوشزد می‌کنند که مملکت‌شان به خاطر «ترقیات شدید السرعه» همسایگان و به خاطر غفلت‌های درباریان و سهویات اجدادشان در معرض خطرات و تهدیدهای گوناگون قرار گرفته است. آنها راه چاره رفع خطرات را چشم‌پوشی از اعمال و رسوم گذشته و وضع قوانین جدید معرفی می‌کنند. هر دو متفق‌القول اعتقاد دارند که دستیابی به عظمت گذشته ایران و عثمانی «با همان وسایل قدیمه» و یا «وسایل نیاکان خود» امکان‌پذیر نیست. فؤاد پاشا حرف «هموطنان نادان» خود را که چنین اعتقادی داشتند «ضلالتی... تلخ و خود فریبی‌ای... نامسموع» می‌خواند و مستشارالدوله حرف وزرا و درباریان دولت را در این زمینه «حرفی... بی‌مغز، زلالی... تلخ و قوی... نامسموع» می‌داند.^{۳۱}

به اعتقاد فؤاد برای مقاومت در برابر همسایگان مترقی تفوق بر گذشتگان کافی نبود و لازم بود دولت عثمانی با آنها «در یک پایه مسلم ایستاده باشد.» او در ادامه به سلطان عثمانی متذکر می‌شود:

سلطنت شما از روی زمین سترده خواهد شد اگر شما آن قدر پول نداشته باشید که انگلیس دارد، آن قدر معرفت نداشته باشید که فرانسه دارد، آن قدر لشکر نداشته باشید که روسیه دارد... ما نیز باید آن قدر پیش برویم و ترقی بکنیم که دول همجوار ما در اقلیم یورپا رفته‌اند و کرده‌اند. دولت ذو قدرت ما به جهت میل این مراد وسیله‌ها دارد و لیکن از برای تحصیل این مرام، تغییر در امورات دولتی و در اصولات و تدابیر ملکیه از واجبات است.^{۳۲}

مستشارالدوله نیز مانند فؤاد برای بقای سلطنت ایران، «تنها تشویق بر گذشتگان» را کافی نمی‌داند و معتقد است:

[همسایگان مترقی یا] این دایگان مهربان‌تر از مادر و این گرگان مرغابی‌صفت و این خیراندیشان خانمان برانداز تا دولت مقننه نشود از منافع خود چشم‌نپوشیده و برای جنبش موشی‌گره‌های چند می‌رقصانند و به جهت تشویق در امر سیاست و تجارت به یکدیگر بازی‌های رنگارنگ به روی کار می‌آورند ولو آنکه به قدر مکتب انگلیسی‌ها در خزانه دولت لیره موجود باشد و به قدر صنعت‌گران فرانسوی‌ها ارباب صنایع در کارخانجات و به قدر اهالی چین قشون آزموده و حاضر رکاب و به قدر دول آمریکا سفاین زره پوش [داشته باشیم].^{۳۳}

۳۱. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۳ - ۱۷۲؛ رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۴۹۹؛ غالب، ص ۷۵.

۳۲. رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱، ص ۵۰۰؛ مقایسه شود با غالب، ص ۷۶-۷۵.

۳۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۴.

فؤاد و مستشارالدوله با بیانی همانند از وجود حقیقت واحد در هر دین سخن به میان می‌آورند و حق را آفتابی می‌دانند که عالم را علی‌السویه روشن و نورانی می‌کند و پوشاندن آن برای هیچ ملتی امکان ندارد. فؤاد پاشا به دنبال این سخنان، اسلام را مانعی برای اخذ «تنظیمات جدید» نمی‌بیند و برای مطمئن کردن سلطان عثمانی از سخنان خود می‌نویسد:

من به قدر کفایت از احکام دینیه خودمان اطلاع دارم. خیال من هنوز جمع است و آن قدر شعور در سرم هست که قباحت خیانت را نسبت به پادشاه خود و وطن خود و دین خود بفهمم. علی‌الخصوص در این حالت که از این جهان به جهان دیگر رحلت می‌کنم و در دیوان حاکم عادل، آفریننده کاینات خواهم ایستاد. پس به قوه ایمان باطنی خود شما را اطمینان می‌دهم که هیچ یک از اصول و قوانین دول یوروپا مخالف احکام دین اسلام نیست.^{۳۴}

جالب است که مستشارالدوله نیز با همان عبارات وضع قانون را مخالف با اسلام نمی‌بیند و می‌نویسد:

پیر غلام شاید به قدر کفایت از احکام قرآن مجید و احادیث نبوی (ص) اطلاع داشته باشد و شریعت مطهره اسلام ابداً منافی قوانین عادلانه نیست و خیالاتم هنوز جمع است و آن قدر شعور دارم که قباحت خیانت را نسبت به وجود مقدس پادشاه و ولی نعمت‌زاده خود و دین و مذهب خود و وطن و ابناء وطن خود درک نمایم و بفهمم، خصوصاً در این حال که از این جهان به جهان دیگر باید بروم و در دیوان عدل آفریننده کاینات خواهم ایستاد...^{۳۵}

هر دو وصیت‌نامه در حوزه سیاست خارجی به مقام‌های مورد نظر خود توصیه می‌کنند که با فرانسوی‌ها مناسبات دوستانه خود را گسترش دهند. آنها فرانسوی‌ها را ملتی طالب نیک‌نامی معرفی می‌کنند که از روابط با آنها ضرری به ایران و عثمانی نمی‌رسد.^{۳۶}

فؤاد پاشا و مستشارالدوله برای ترقی مملکت خویش لازم می‌دانند با قوانین محکم و عادلانه میان «طوایف مختلفه» در مملکت مساوات برقرار شود و همه اقوام و طوایف و اقلیت‌های دینی در سرنوشت مملکت دخیل و شریک شوند. برای این مسأله فؤاد پاشا توصیه می‌کرد «بر طبق قوانین حکیمانه، حیات و مال جمیع تبعه بلا تفاوت» از تعرض مصون نگه داشته شود و مستشارالدوله لازم می‌دانست «بر طبق قوانین عادلانه مال و مکتب جمیع تبعه بلا تفاوت و توفیر و ملاحظه» از تعرض

۳۴. رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، ص ۵۰۰؛ مقایسه شود با غالب، ص ۷۷-۷۶.

۳۵. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳۶. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۶؛ رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، ص ۵۰۲.

داخله و خارجه صیانت گردد. آنها برای این امر تأسیس مدارس و تربیت عامه را از ضرورت‌های گریزناپذیر معرفی می‌کنند.^{۳۷}

وصیت‌نامه فؤاد پاشا و مستشارالدوله هر دو در پایان خطاب به مقامات مورد نظرشان متذکر می‌شوند که به خاطر اصلاح‌خواهی مورد لعنت هموطنان مسلمان و تهمت بی‌دینی قرار می‌گیرند. فؤاد پاشا پس از اعلام وقوف خود از این مسأله می‌نویسد: «من از ایشان شکایت ندارم و ایشان را می‌بخشم. زیرا، که ایشان حرف‌های مرا نمی‌توانند فهمید و خیالات مرا درک نمی‌توانند کرد. اخلاف ما در آینده خواهند دید که مسلمان حقیقی من بوده‌ام نه آن نادانان کور و متعصب که مرا تکفیر کرده مستوجب لعنت دانسته‌اند و مسلمانان با شعور، زودتر یا دیرتر خواهند دانست که من مثل شهداء فی سبیل الله جهاد می‌کردم که به دین خودمان و مملکت خودمان نجات داده باشم.»^{۳۸} مستشارالدوله نیز با جملاتی مشابه وصیت‌نامه را این چنین به آخر می‌رساند: «یقین دارد اکثری به روح پیر غلام لعنت خواهند فرستاد که دشمن اسلام و اسلامیان بوده‌ام، این غلام به هیچ وجه از آنها شکایت ندارد. ایران و ایرانیان را به آنها گذاشتم و گذشتم، چون عرایضم را نمی‌فهمند و خیالاتم را درک نمی‌کنند آنچه می‌خواهند بگویند. اعقاب و اخلاف ماها در آینده خواهند فهمید که ایشان مسلمان بوده‌اند یا من که در ترقی ابنای وطن مثل شهداء فی سبیل الله مادام‌العمر جهاد می‌کردم که اقتدار و عظمت اسلام و اسلامیان را بدین وسایط نگذارم پامال شود.»^{۳۹}

البته در کنار این مشابَهت‌ها، وصیت‌نامه‌های فؤاد و مستشارالدوله تفاوت‌هایی نیز با همدیگر دارند که حاصل تفاوت موقعیت‌های ایران و عثمانی و اختلاف دیدگاه‌های آن دو در برخی از مسائل است. توصیه فؤاد پاشا به سلطان عثمانی برای پشتیبانی از عالی پاشا، مسائل مربوط به یونان و مسائل مربوط به «قراداغ و صرب و ارمنیه» از جمله مطالبی بود که با تاریخ عثمانی ارتباط داشت و فقط در وصیت‌نامه فؤاد پاشا به آنها پرداخته شده است. نکات عمده اختلاف‌نظر میان مستشارالدوله و فؤاد پاشا در حوزه سیاست خارجی است. فؤاد پاشا در وصیت‌نامه خود از انگلستان با عنوان «یاور نخستین و پسین» عثمانی یاد می‌کند و از دست دادن چند ولایت از ممالک عثمانی را به فقدان «تقویت و یآوری ملت انگلیس» نسبت می‌دهد. در حالی که مستشارالدوله نه تنها دولت انگلیس را به عنوان دوست برای دولت ایران مطرح نمی‌کند، بلکه از اعمال و رفتار دولت‌های اروپایی با تعبیر

۳۷. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۶؛ رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۵۰۲، ۵۰۶ - ۵۰۵؛ غالب، ص ۷۸.

۳۸. رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۵۰۷؛ مقایسه شود با: غالب، ص ۸۴.

۳۹. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۷.

«وحشی‌گری بسیار وحشتناک» یاد می‌کند.^{۴۰} البته این تغییر نگرش در مستشارالدوله محصول گذر زمان بود. او نیز در ابتدا مانند فؤاد به دنبال جلب پشتیبانی انگلیس بود؛^{۴۱} ولی بعد از جنگ ۱۸۷۷ میلادی میان عثمانی و روسیه دیدگاهش تغییر کرد.

فؤاد پاشا در صحبت از ایران، شاه ایران را تابع اراده روسیه می‌داند و معتقد است در زمان دشمنی عثمانی با روسیه دولت ایران به روسیه می‌پیوندد و در صف دشمنان قرار می‌گیرد. فؤاد این مسأله را زیاد نگران‌کننده نمی‌بیند، زیرا از یک طرف برای سلطنت «دیسپوتیزم بربری خصلت آن» مدعیان بی‌شمار وجود دارد و از طرف دیگر، چهار جانب آن «مسکون به طوایف سنیان» است و دولت عثمانی می‌تواند با استمداد از این شرایط دولت ایران را ساکت و خاموش نگهدارد.^{۴۲} مستشارالدوله در مقابل این طرز فکر فؤاد پاشا در مورد ایران، به مظفردالدین میرزا توصیه می‌کند با «دولت عثمانی و امارت افغانستان» متحد شود و «یگانگی مسلمین» را غنیمت شمارد. او شاید در کنایه از صحبت‌های فؤاد، در مورد وجود تفرقه در میان مسلمانان و اهتمام دشمنان به تداوم این تفرقه و غفلت مسلمانان از این مسأله می‌نویسد: «افسوس که اسلامیان هنوز در خواب غفلت غنوده‌اند. خود اسلامیان باید ملتفت نکات شده تعصب و تعند را کنار گذاشته زیاده از این منکوب و مضمحل و مخذول نشوند.»^{۴۳}

نکته مهم دیگر در وصیت‌نامه مستشارالدوله نسبت به وصیت‌نامه فؤاد، وقوف او به خروج طلا و نقره از کشور و نیاز به استقرار از اروپاییان است. مستشارالدوله، خاطر نشان می‌کند که به واسطه افتتاح بانک در کشور، به تدریج طلا و نقره ایران در «عوض مال التجاره‌های قلب و مصنوعی فرنگستان» از مملکت خارج می‌شود و «چندی نمی‌گذرد که به واسطه زیادی خرج و کمی دخل دولت محتاج به اولین قرض از اروپاییان» می‌شود.^{۴۴}

نتیجه‌گیری

بررسی وصیت‌نامه‌های فؤاد پاشا و عالی پاشا نشان می‌دهد که تردید در مورد نگارش وصیت‌نامه‌ها توسط فؤاد پاشا و عالی پاشا همزمان با نگارش آنها به وجود آمده و به میان محققان هم کشیده

۴۰. رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۵۰۲؛ مقایسه شود با غالب، ص ۷۸؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۴۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره: ۳ - ۴ - ۱۳ - ۱۲۸۶ق.

۴۲. رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ص ۵۰۴؛ مقایسه شود با غالب، ص ۸۱ - ۸۰.

۴۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۴۴. همان، ص ۱۷۶.

شده است. با ادعای ملکم، در مورد نگارش وصیت‌نامهٔ فؤاد پاشا، سرنوشت وصیت‌نامهٔ او با تاریخ ایران و اندیشمندان دورهٔ قاجار ارتباط یافت و این ادعا موجب شد بعدها محققانی مانند محمد غالب، با تردید در اصالت وصیت‌نامهٔ عالی پاشا، آن را نیز کار ملکم بدانند. هر چند که اثبات این قضیه کار بسیار دشواری است.

گرچه نقش ملکم در تنظیم وصیت‌نامه در بوتۀ ابهام باقی ماند، ولی مسألهٔ ارتباط وصیت‌نامهٔ فؤاد پاشا با تاریخ ایران بار دیگر با توجه مستشارالدوله به آن وصیت‌نامه تکرار شد. نشان دادن تأثیرپذیری مستشارالدوله از وصیت‌نامهٔ فؤاد پاشا از دستاوردهای مهم این پژوهش بود. تا پیش از این، نقش احتمالی ملکم در تدوین وصیت‌نامه‌های دولتمردان تنظیمات عثمانی مورد توجه قرار گرفته بود، ولی توجهی به امکان تأثیرپذیری مستشارالدوله نشده بود. مستشارالدوله، در اصل، وصیت‌نامه خود را با توجه به ترجمهٔ ملکم از وصیت‌نامهٔ فؤاد پاشا نوشت. او چارچوب کلی وصیت‌نامه خود را از وصیت‌نامهٔ فؤاد پاشا گرفت و با توجه به شرایط زمان خود و موقعیت ایران آن زمان مطالبی را به آن افزود و مطالب مرتبط با عثمانی را از آن حذف کرد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از مسائل تاریخ ایران در قرن نوزدهم از جمله موضوع اصلاحات با مسائل عثمانی ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده بود و اندیشمندان و دولتمردان ایران برای انجام اصلاحات به اقدامات صورت‌گرفته در عثمانی نظر داشتند و سعی می‌کردند از تجربه‌های آن مملکت اسلامی بهره‌برند؛ که نمونه آن در تدوین وصیت‌نامهٔ مستشارالدوله به روشنی قابل ملاحظه است. این مسأله از شرایط مشابه ایران و عثمانی در مواجهه با تمدن غرب نشأت می‌گرفت.

کتابنامه

- آدمیت، فریدون. اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱.
- توفیق، ابوالضیا. نمونه ادبیات عثمانیه. قسطنطنیه: مطبعه ابوالضیا، ۱۳۳۰ ق.
- رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله. گردآوری و مقدمه حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
- رفعت، احمد. ورد الحدائق. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- رئیس‌نیا، رحیم. ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم. ج ۱. تهران: مینا، ۱۳۸۲.
- سالنامه نظارت خارجی. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- سلیمان، شهاب‌الدین. تاریخ ادبیات عثمانیه. استانبول: سنجاقچیان مطبعه سی، ۱۳۲۸ ق.
- شاو، استانفورد جی و ازل کورال. تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید. ترجمه محمود رمضان‌زاده. ج ۲. مشهد:

آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

غالب، محمد. «تاریخ‌دین بر صحیفه». تاریخ عثمانی/انجمنی مجموعه سی. جزء ۱.۲. حزیران ۱۳۲۶. ص ۷۰-۸۴.

الگار، حامد. میرزا ملکم‌خان. ترجمه جهانگیر عظیمیا و مجید نفرشی. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری انتشارات مدرس، ۱۳۶۹.

محیط طباطبایی، محمد. مقدمه مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان. تهران: نشر دانش، ۱۳۲۷.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه. سند شماره: ۳-۴-۱۳-۱۲۸۶ق.

مستشارالدوله، میرزا یوسف‌خان. یک کلمه. به کوشش صادق سجادی. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.

میزان، برنجی سنه، نومرو ۱، ۹ رجب ۱۳۱۴.

ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد. تاریخ بیداری ایرانیان. به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. بخش اول. تهران: آگاه، ۱۳۶۲.

Davison, Roderic H. "The Question of Ali Pasa's Political Testament", *International Journal of Middle East Studies*. Vol. 11, No. 2. (Apr., 1980), PP. 209-225.

Islam Ansiklopedisi. cilt 13. Istanbul: Türkiye Diyanet vakfi. 2005.

Islam Ansiklopedisi. cilt 2. Istanbul: Türkiye Diyanet vakfi, 2005.

Süreyya, Mehmed, *Sicill-i osmani*, Istanbul: Numune Matbaacılık, 1996.

